

سازمان تامین اجتماعی اعلام کرد تمام ایرانیان مقیم خارج، بدون نیاز به سابقه بیمه‌ای، می‌توانند خود را نزد سازمان تامین اجتماعی، بیمه کنند. همچنین آن دسته از ایرانیانی که دارای سابقه‌ای نزد این سازمان هستند، امکان تکمیل سوابق خود را دارند. ایرانیان مقیم در کشورهای دیگر، برای بهره‌مندی از مزایای بیمه‌ای، باید به یکی از شعبه‌ها یا کارگزاری‌های برون مرزی تامین اجتماعی مراجعه و با درخواست‌شان را از طریق وکیل قانونی اعلام کنند. متقاضیان می‌توانند با ورود به سامانه «اعلام درخواست بیمه ایرانیان خارج از کشور» تقاضای بیمه تامین اجتماعی کنند. حداقل و حداکثر سن لازم برای برخورداری از این نوع بیمه، به ترتیب ۱۸ و ۵۰ سال تمام است.

یکشنبه ● ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل‌ودو

ا ت ی چ ع ه ن و

دیدگاه‌های یک فعال کارفرمایی

بهبود معیشت کارگران تنها بر عهده کارفرمایان نیست



گروه‌زدن کامل بحث درآمد و رفاه کارگران، به عملکرد کارفرمایان، امر اشتباهی است. در کشورهای مختلف، همواره حکومت‌ها برای افراد جامعه‌شان حداقل‌هایی را در نظر می‌گیرند. در قانون اساسی ما هم آمده که تامین مسکن، آموزش و... و وظیفه دولت‌ها است. در این بین، کارفرما نیز ماهانه ۲۳ درصد از سهم بیمه نیروی کار را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌کند و سه درصد منابع صندوق بیمه بیکاری کارگران هم برعهده کارفرماست. در کشور ما، شرایط خط فقر طبق تحقیقات انجام‌شده و با احتساب نرخ دلار، به شکلی شده است که هر خانوار نباید کمتر از دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان حقوق ماهانه دریافت کند. یعنی خانواری که زیر این رقم حقوق دریافت کند، زیر خط فقر، قرار دارد. حال در چنین شرایطی، عده‌ای می‌گویند که کارفرما باید حقوق کارگران را برای رفاه بیشتر آنها افزایش دهد؛ درحالی که ۷۰ درصد حقوق پایه کارگران، صرف تامین مسکن، هزینه درمان و رفع همان نیازهایی می‌شود که تامین آن، وظیفه دولت است. اگر دولت‌ها این نیازهای اولیه کارگران را تامین کرده بودند، یک کارگر با افزایش حقوق ۱۰ درصد هم می‌توانست در آسودگی زندگی کند. حال به این سوال پاسخ دهیم که اگر فشار اصلی افزایش حقوق را بر گردن کارفرما بیندازیم، چه خساراتی بر کشور تحمیل می‌شود؟ کارفرما بر اساس شرایط حوزه کسب‌وکار می‌تواند رونق اقتصادی داشته باشد. اگر کارفرما نتواند رونق اقتصادی داشته باشد، هرچه بر آن تحمیل کنید، به کشور و اقتصاد آن، ظلم شده است. برای خیلی از کارفرمایان، مشکلی نیست که به کارگزشان حتی دو برابر حقوق بدهند – البته به شرطی که بنگاه اقتصادی‌اش، توجیه اقتصادی داشته باشد – اما اگر شرایط اقتصاد کشور مطلوب نباشد و کارگر هم انگیزه و انرژی کافی برای انجام کارش را نداشته باشد، در این صورت، به کارفرما هم لطمه وارد می‌شود. مسئله دیگر اینکه نباید در ادبیات بازار کار، کارگر و کارفرما را از هم جدا کرد؛ چرا که هر دو به هم وابسته‌اند. یعنی اگر کارگر مشکل داشته باشد، مشکل او در نوع فعالیت کارفرما هم تأثیر می‌گذارد. وقتی دولت‌ها به وظایف خود به درستی عمل نمی‌کنند و بیشتر بار رشد حقوق کارگر را روی دوش کارفرما‌ها می‌اندازند، کارفرما هم با توجه به شرایط فعلی اقتصادی کشور، نمی‌تواند این حقوق را تامین کند. مثلاً اگر نگاهی به دوماه گذشته ببیندازیم، می‌بینیم که نرخ دلار، به میزان ۲۰ درصد افزایش پیدا کرده است. معلوم است که این شرایط، برای خیلی از بنگاه‌های اقتصادی، به معنای تعطیلی رسمی است. به اعتقاد من، دلیل اینکه بار اصلی حمایت از حقوق کارگران را روی دوش کارفرمایان می‌گذارند، این است که عده‌ای می‌خواهند صورت مسئله مشکلات اقتصادی را پاک کنند. این درحالی است که بزرگ‌ترین کارفرما،

کسانی هستند که بخش‌هایی زیادی از اقتصاد کشور را مدیریت می‌کنند و حمایت اصلی از



دیپرکل انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران

ویستره

نشل‌ها

دیدگاه‌های یک فعال کارگری

باید مرجعیت شورای عالی کار را قبول کنیم



نباید فراموش کرد که اعداد و ارقام مربوط به تعیین دستمزد کارگران، با سه‌جانبه‌گرایی در شورای عالی کار مصوب می‌شود و هرگونه اظهار نظر یک‌طرفه در مورد این ارقام، ناصواب است و می‌تواند موجب تحریک احساسات نیروهای فعال در حوزه کار شود. بنابراین ما نمی‌توانیم پیش از اینکه در شورای عالی کار، سه ضلع شرکای اجتماعی بنشینند و درباره عدد و رقم دستمزد کارگران حول ماده ۴۱ قانون کار و راه‌های رسیدن به آن به توافق برسند، در مورد آن اظهار نظر رسمی کنیم. ماده ۴۱ قانون کار، دو بند دارد. بند اول، نگاهی به نرخ تورم اعلامی از سوی مراجع ذیصلاح دارد و در بند دوم، سید معیشت به گونه‌ای تعیین می‌شود که فارغ از شغل و سمت، بتواند معیشت یک خانواده را تامین کند.

از سال ۶۹ که قانون کار تصویب شد تا کنون، نرخ تورم به جای اینکه بر مخارج بسته‌شود، بر درآمد بسته شده است. طبق علم تورم، تغییرات قیمتی در بازه زمانی خاص، روی کالایی خاص، در فرمولی گذاشته می‌شود و حاصل اگر افزایش داشته باشد، تورم مثبت و اگر کاهش داشته باشد، تورم منفی را شاهد خواهیم بود. ضمن اینکه تورم بر روی هزینه بسته می‌شود، نه بر روی درآمد یا دستمزد؛ اما در گذشته، تورم را بر روی دستمزد بستند که باعث شکاف ۱۵۶ درصدی بین سید معیشت و دستمزد کارگران شد. نگاهی که امسال در کمیته دستمزد داشتیم، علمی برخورد کردن با معنای تورم است. سید معیشت هم مصوبه شورای عالی کار سال گذشته را دارد. دستاورد خوبی که سال گذشته به دست آوردیم، این بود که لاقل به یک سید معیشت حداقلی برسیم. من روی این حداقلی تاکید می‌کنم، چون واقعا حداقلی بسته شد تا یک سید معیشت سه‌جانبه مورد تأیید قرار بگیرد. مطابق برنامه پنجم توسعه و بر اساس مراجع و منابع قابل استناد دولتی، عدد و رقم سید معیشت و آیت‌های موثر به دست آمد که طی آن، رقم دو میلیون و ۴۸۹ هزار تومان سید معیشت، و حقوق، حدود یک میلیون تومان بسته شد.

ما امسال در کمیته دستمزد، چندین دستورالعمل از شورای عالی کار داشتیم که یکی از آنها، به‌روزرسانی سید معیشت بود که به امید خدا به‌زودی نهایی می‌شود. ما اگر سید معیشت را به‌روزرسانی کنیم و آن رقمی که به دست می‌آید، به دستمزد اضافه شود، جلوی افزایش شکاف بین سید معیشت و قدرت خرید کارگری، گرفته می‌شود. این به معنی جبران سید معیشت کارگر نیست، بلکه تنها جلوی شکاف بیشتر گرفته می‌شود. همچنین از وظایف ما در کمیته دستمزد این است که راهکارهایی را پیدا کنیم که بتوانیم در یک بازه زمانی مشخص، با یک روش خاص، این شکاف را دزهره کمتر کرده و قدرت معیشت ایجاد کنیم.

ما اعتقاد داریم که از معنای تورم، سوء برداشت شده و

همین طور فاز اول هدفمندی یارانه‌ها نیز اشتباه اجرا شده است. به جای اینکه مثل کشورهایی که قبل از ما هدفمندی یارانه‌ها ایجاد کرده بودند، هم‌زمان با جهش قیمت‌های کالایی – که گاهی دو سه و حتی چهار برابر بیشتر شده – دستمزد را هم به همان میزان رشد دهیم، در همان سال، تنها هشت درصد، دستمزد را افزایش دادیم. در سالی که تورم واقعی بر سید معیشت، بالای صد درصد بود، ما تنها هشت درصد افزایش دستمزد داشتیم و همین مسئله، شکاف را به شدت عمیق کرد.

همین مسائل موجب شده که در سطح کشور، گاهی شاهد اعتراضات مردمی باشیم که این اعتراضات، اغلب اعتراضات صنفی و معیشتی است. در واقع، دولت – به عنوان کارفرمای بزرگ – و دیگر کارفرمایان باید به این اعتراضات پاسخ دهند و مشکل معیشت کارگر را حل کنند. ما باید مسائل را فرآیندی ببینیم. دستمزد منصفانه این نیست که کارگر فقط بخور و نمیر، روزگار را بگذراند. اگر من کارگر، دستمزد منصفانه‌ای دریافت کنم، سفره‌ام بزرگ‌تر می‌شود و قدرت خرید پیدا می‌کنم. وقتی قدرت خرید داشته باشیم، تحرک تقاضا ایجاد می‌شود که نتیجه آن، افزایش تیراژ تولید کارفرماست. در چنین شرایطی، هزینه سربار کارفرما کاهش پیدای می‌کند و می‌تواند نیروی انسانی بیشتری استخدام کند، چون حاشیه سودش بالا می‌رود.

بنابراین، مشکل اشتغال نیز حل می‌شود.

از طرف دیگر، زمانی که تحریک تقاضا اتفاق بیفتد، بازار رقابتی می‌شود و روح هدفمندی یارانه‌ها که از تقای صنعت ماست، اتفاق می‌افتد. در چنین شرایطی، ذائقه مشتری در صنعت، مورد توجه قرار می‌گیرد. در کنار اینها، گردش مالی در مجاری درست اتفاق می‌افتد. یعنی ما به سمت رشد تولید ناخالص ملی می‌رویم، نه اینکه سفته‌بازی، سکه‌خریدن، زمین‌خریدن و دلای‌رای بگیریم. پس نباید فراموش کرد که این فرآیند، باید درک شود و در جهت آن حرکت کنیم. بنابراین برای رونق اقتصاد هم که شده، بهتر است همین الان تصمیم عاقلانه‌ای بگیریم و دستمزدها را به سمت عادلانه‌شدن ببریم. واقعیت این است که تا زمانی که صرفاً نگاه لیبرالیستی و نتولیبرالیستی در امور اقتصادی کشور حاکم باشد، این قطاری که از ریل خارج شده، به مسیر اصلی خود بازمی‌گردد. واقعیت این است که در اقتصاد ما، سوداگری، یک شبه ره صدساله رفتن، ثروتمند شدن به هر قیمتی، رشوه، دلالی، فسادهای اداری و واسطه‌گری وجود دارد. برای خیلی‌ها، کسب درآمد از این مسیرها شیرین‌تر است تا اینکه بخوایم برای ثروت، عرق بریزیم و تلاش کنیم. مثلاً اگر این شرایط اقتصادی در کشور وجود نداشت، چنین بلایی سر صنعت تولید لوازم خانگی ما نمی‌آمد. در کشور ما هنوز این تفکر وجود دارد که من اگر محصول وارد کنم، بیشتر سود می‌برم تا اینکه از تولیدکننده داخلی حمایت کنم. بنابراین تا وقتی این شرایط بر اقتصاد کشور حاکم است، اوضاع معیشت کارگران نیز تحت‌تأثیر همین اوضاع اقتصادی خواهد بود.

رئیس کمیته دستمزد کانون عالی شورای اسلامی کار

● یادداشت ●

● اصغر آه‌نی‌ها ●

|||||

ارتقای دلال گرایی به جای تولیدگرایی؟!

برای تعیین دستمزد کارگران در سال ۹۷، طی جلسه‌ای قرار شد که این موضوع، به کارگروه مزد ارجاع داده شود. مادر کارگروه دستمزد، در مورد شرایط و چگونگی دستمزدها صحبت کردیم. سال گذشته با همت گروه‌های کارگری، کارفرمایی و دولت، کلیات سبد معیشت زندگی، تهیه و تنظیم شد و بحث‌های مرتبط با آن، امسال مورد توجه قرار گرفته است.

بحثی که امسال مطرح شده این است که آیا اقلام موجود در سبد معیشت، همگی باید توسط افزایش دستمزد پوشش داده شود؟ یا بخشی از آن باید توسط دولت یا گروه‌های دیگر تامین شود؟ مثلاً در بحث تامین هزینه‌های درمان هم، کارفرما پولی را به تامین اجتماعی می‌پردازد و بخشی هم در بیمه سلامت تامین می‌شود. پس ما باید این مقوله را از محاسبه سبد معیشت خارج کنیم، زیرا بیمه درمان پرسنل کارگری، باید مجانی شود که این موضوع، در قانون اساسی هم مطرح شده است.

بحث دومی که ورود کردیم، بخش آموزش است که قسمتی از هزینه‌های معیشت را به خود اختصاص داده است. طبیعتاً این موضوع در قانون اساسی هم مطرح شده که باید آموزش‌ها رایگان باشند و دستگاه‌های حکومتی، باید هزینه آموزش را برای کارگران به صفر برسانند. بحث سوم، تامین مسکن کارگران است. دولت‌ها باید نیاز مسکن کارگران را در وزارت مسکن و شهرسازی، با کمک کارفرمایان و خود کارگران تامین کنند که این مسئله هم باید در سال ۹۷ به طور جدی مدنظر قرار گرفته شود.

واقعیت این است که جامعه کارگری در شرایط سختی، روزگار می‌گذارند، اما این را هم باید پذیرفت که ۹۰ درصد کارگاه‌های ما، خرد و متوسط هستند که امروزه تعداد زیادی از آنها هم ریزش پیدا کرده‌اند. نتیجه تعطیلی بسیاری از کارگاه‌ها، مشکل بیکاری است که امروزه بسیاری از کارگران با آن دست به گریبان هستند. اگرچه با طرح‌هایی که دولت اجرا می‌کند، تلاش دارد که آمار اشتغال را افزایش دهد، اما زمینه توسعه کلی اقتصاد ملی را باید در نظر گرفت. واقعیت این است که اگر می‌خواهیم در بازار جهانی رقابت کنیم، باید قیمت تمام‌شده محصولات خود را کاهش دهیم تا تولید رونق بگیرد و معیشت جامعه کارگری هم به تناسب آن بهبود پیدا کند.

از سوی دیگر، جامعه کارفرمایی بر این باور است که باید قوانین مرتبط با تولید اصلاح شود. متأسفانه در کشور ما دلال‌گرایی بیشتر از تولیدگرایی رواج دارد. ما اگر قوانین کار را اصلاح نکنیم، نخواهیم توانست وضعیت اقتصاد خود را در داخل و در سطح بین الملل، بهبود ببخشیم. به طور کلی انتظار داریم که با کمک دولت بتوانیم چرخه تولید و اشتغال را در لایه‌های پایین، و نه در حوزه صادرات نفت و گاز، تقویت کنیم تا رونق اقتصادی در کشور اتفاق بیفتد؛ زیرا در غیر این صورت، با بیکاری کارگران و ورشکستگی بسیاری از صنایع روبه‌رو خواهیم بود که افزایش دستمزد با هر میزان‌ی هم نمی‌تواند آن را جبران کند!

عضو شورای عالی کار و عضو کانون عالی کارفرمایان کشور

